



ویژه فرهنگ و معارف رضوی
سال اول | ویژه نامه ۱۰۴



بررسی سیره اجتماعی حضرت زهرا(س)
و نسبت آن با مقوله حجاب
جمع حجاب و حضور

ثبت ۸۰۰ اجرای «چهار پایه خوانی» در ایام شهادت امام جواد(ع)

قطار تهران - مشهد

شیرین ترین زیارت

دبیر کل جبهه فرهنگی عفاف و حجاب:

قرآن ازدواج را یک فرایند تکاملی برای بشر تعریف می کند

آغاز به کار ۱۱۶ طرح اشتغال زایی بنیاد کرامت رضوی در خوزستان

تولیت آستان قدس رضوی: تبیین اهمیت حجاب زمینه ساز گسترش آن در جامعه است

تولیت آستان قدس رضوی در همایش «حماسه حجاب» که همزمان با سالروز قیام مسجد گوهرشاد در تالار قدس حرم مطهر رضوی برگزار شد، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای این قیام خونین گفت: در این حادثه جمعی از مردان غیرتمند، مؤمن و فداکار جان خود را در راه حفظ ارزش‌های متعالی دینی و انسانی از دست دادند. وی شهدای حادثه گوهرشاد را شهدای راه پاسداری و صیانت از کرامت زن خواند و یادآور شد: جامعه ما مدیون فداکاری و ایثار شهدای گرانقدر این حادثه بزرگ و از جهتی افتخار آفرین است. تولیت آستان قدس رضوی در ادامه به آیه «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتَهُ طَيِّبَةً» اشاره و گفت: از این آیه چنین استنباط می‌شود که در انجام عمل صالح و قرب الی الله و پیشرفت و ترقی معنوی انسان، تفاوتی میان مرد و زن نیست و خداوند متعال راه کمال برای زن و مرد را یکسان قرار داده است. وی کرامت را گوهری در وجود انسان برای رسیدن به حیات طیبه و مقام خلیفه اللهی دانست و تأکید کرد: همه دستورات اسلام بر محور کرامت انسانی است و خداوند با بیان احکام الهی و دستورات شرعی حفظ این کرامت را برای انسان تضمین کرده است...



تولیت آستان قدس رضوی در همایش «حماسه حجاب»

درباره تاریخ هزار و ۲۰۰ ساله ایجاد مراکز آموزش دینی در اطراف اماکن متبرکه

نهضت مدرسه سازی در جوار حرم مطهر

محمدحسین

نیکیخت شهر مشهد، به برکت وجود مضجع شریف رضوی، یکی از کانون‌های اصلی نشر معارف اسلامی است. به همین دلیل هم، از دیرباز در این شهر به‌ویژه اطراف حرم رضوی، مدارس علمیه متعددی ساخته شد که برخی از آن‌ها، مانند مدرسه عباسقلی خان، نواب، پریرزاد، دو در، سلیمانیه و... همچنان باقی است و البته ما هم در صفحه رواق، به مناسبت‌های مختلف، بعضی از آن‌ها را به شما همراهان عزیز معرفی کرده‌ایم. با این حال، تاریخ مدرسه‌سازی در اطراف حرم مطهر، فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است؛ در برخی دوره‌ها، ساخت مدارس شتابی گسترده پیدا می‌کرد و در بعضی زمان‌ها، تقریباً متوقف می‌شد. به دیگر سخن، نهضت مدرسه‌سازی در اطراف حرم مطهر، دوره‌های مختلفی را تجربه کرده است که بنا داریم در نوشتار امروز به بررسی آن بپردازیم.

نخستین گام‌ها

ساخت مدرسه در اطراف حرم رضوی سابقه‌ای به اندازه تاریخ اماکن متبرکه دارد؛ گزارش‌هایی از کتاب «عیون اخبارالرضا(ع)» و حتی متون تاریخی دوره غزنوی، مانند «تاریخ بیهقی» در اختیار داریم که نشان می‌دهد ساخت و اداره مدارس علوم دینی در اطراف حرم رضوی، حتی زمانی که مشهد از نظر جمعیتی گسترده هم نبود، مورد توجه قرار داشت. روایتی تاریخی از ساخت مدرسه توسط ابوالحسن عراقی، بانی مسجد «بالاسر» در دست است که شاید قدیمی‌ترین گزارش در این باره باشد. به احتمال زیاد، سادات موسوی که نخستین بار اداره امور اماکن متبرکه را در اختیار داشتند، به‌ویژه از دوره سید بدرالدین به بعد، در امر تأسیس مدارس مذهبی در اطراف حرم مطهر ورود پیدا کرده بودند؛ هرچند اسناد متقنی در این باره نداریم.

موج نخست: عصر گوهرشاد

نخستین موج نهضت مدرسه‌سازی در اطراف حرم رضوی را باید در دوره رونق

فعالیت‌های عمرانی شهر مشهد، در قرن نهم هجری و عصر امرای تیموری جست‌وجو کنیم. در این دوره که ما آن را «عصر گوهرشاد» می‌نامیم، مدارس مشهوری مانند پریرزاد (تأسیس: ۸۲۳)، دو در یا امیرسیدی (تأسیس ۸۴۳) و مدرسه شاهرخی یا بالاسر (تأسیس: ۸۳۰) ساخته شد. با این حال به نظر می‌رسد تعداد این مدارس بسیار بیشتر از این مقدار بوده است، زیرا اقدام امرا و افراد متمول به ساخت چنین سازه‌هایی، عمدتاً با تأثیرپذیری از رفتار حاکمان دوران بود و چون شاهرخ و همسرش گوهرشاد و نیز فرزندان آن‌ها، در این امر فعالیت گسترده‌ای داشتند، می‌توان انتظار داشت حجم مدارس علمیه در اطراف حرم رضوی بسیار بیشتر از آن چیزی باشد که می‌اندیشیم.

موج دوم: عصر صفویه

با روی کار آمدن صفویه و رونق روزافزون شهر مشهد و برقراری امنیت نسبتاً پایدار در آن به واسطه ایجاد باروی مستحکم، توسعه مدارس نیز آغاز شد؛ توسعه‌ای که باید آن را موج دوم نهضت مدرسه‌سازی در اطراف حرم رضوی بدانیم. نکته جالب توجه در این دوره، نقش ویژه هندی‌ها در نهضت مدرسه‌سازی است؛ به این معنا که بیشتر مدارس بزرگ و فاخر این دوره، مانند خیرات‌خان، نواب و میرزاجعفر،



موج سوم نهضت مدرسه‌سازی، در نیمه نخست دوره قاجار آغاز شد. هر چند در دوره نادرشاه، شاهد تأسیس تعدادی مدرسه هستیم که امروزه نشانی از آن‌ها در دست نیست. نخستین مدرسه این دوره توسط سلیمان خان اعتضادالدوله در دوران حکومت آقامحمدخان قاجار ساخته شد.

آستان قدس رضوی برگزیده شد و به مشهد آمد؛ هرچند مدت حضور وی در این کسوت طولانی نبود و در جمادی‌الثانی سال ۱۲۷۹ در گذشت و در راهرو خزانه، نزدیک دارالحفاظ حرم مطهر به خاک سپرده شد، اما خدمات او، به نسبت حضورش در این مقام، چشمگیر بود. مشیرالدوله امور مربوط به مهمانسرای حضرتی را سامان داد و افزون بر ایجاد نظم و ترتیبی بسیار عالی برای پذیرایی از زائران و مجاوران، موفق شد بخش ویژه‌ای را برای رسیدگی به امور فقرا و مستمندان شهر اختصاص دهد. او به منظور توسعه خدمات پزشکی به زائران

زمره افراد مورد توجه عباس میرزا نایب‌السلطنه قرار گرفت و در جمادی‌الآخر سال ۱۳۳۰ق. به عنوان یکی از محصلان گروه دوم اعزامی به اروپا، برگزیده شد و در پاریس ریاضیات و علوم مهندسی را آموخت. میرزاجعفرخان افزون بر علوم جدید، بر علوم قدیمی و دینی هم احاطه داشت. او پیش و پس از سفر به اروپا، زیر نظر افراد بزرگی مانند قائم‌مقام قزاقی و امیرکبیر آموزش دید و مدتی نیز به عنوان استاد فنون ریاضی و مهندسی توپخانه، به ارتش ایران خدمت کرد. وی در ذی‌الحجه سال ۱۲۷۸ق. از سوی ناصرالدین‌شاه به عنوان نایب‌التولیه

حرم رضوی، ساختمان دارالشفای حضرتی را که در مقابل مسجد گوهرشاد قرار داشت و از نظر مکان و وسعت، جوابگوی نیازهای روزمره نبود، به ساختمان جدیدی در بالاخیابان منتقل کرد و دستور داد ضمن جدا کردن بخش زنان از مردان، ترتیب پاکیزگی و تأمین داروهای لازم برای حمایت از بیماران بی‌بضاعت داده شود. هرچند مرگ به این مدیر کارآمد فرصت نداد تا طرح‌های خود را کامل اجرا کند، اما پس از وفات او، پسرش میرزا محمدصادق براساس وصیت پدر، ساختمان جدید دارالشفای را با استفاده از میراث وی تکمیل کرد.

نیمکت زندگی

مهار کردن زبان

رقیه توسلی | همیشه نزدیک درستکاری باش. بی پشت و رو. اصیل. خونسردیت را حفظ کن و تا می‌توانی بی‌دلیل آدم‌ها را دوست داشته باش. دارم خودم را نصیحت می‌کنم. باعث و بانی‌اش همکاری است که جزوولزکنان از امروز صحبت می‌گوید. از سوتی وحشتناکش. می‌گوید: خبر این گوشی لمسی بپیاد الهی... خاک بر سرم کرد... چه می‌دانستم صفحه‌اش قفل نمی‌شود و می‌اندازمش که توی جیبم، دوباره می‌رود روی زنگ آخر و افتضاح به بار می‌آید... بی‌آبرو شدم رفت... هیچی دیگه خبر سرم ماجرا از این قرار است که یکی از اقوام، مدیرعامل کارخانه روغن است. بعد یکی دو ماه رایزنی، هماهنگ کردیم برای مشغول شدن همسر در آزمایشگاه مجموعه، امروز یکسر برویم خدمتشان که درباره شرایط و دستمزدها و ساعت کار و این‌ها حرف بزنیم. می‌رویم اما اوضاع آن‌طور که باید بر وفق تصورات من پیش نمی‌رود. پایان جلسه از دخترشان که می‌زنیم بیرون، اتومات وار دستگاه غرم اسارت می‌خورد و می‌رود روی گزینه غیبت... حالا نگو کی بگو... شاکتی و داغ به همسر می‌گویم چرا فکر کرد ما حالیمان نمی‌شود و خیلی عقل کل است؟ فکر می‌کند قحطه آزمایشگاه برای مهندس شیمی؟ خب اگه تو معذورات قبول کرد اینقدر آسمون ریسمون بافتن نداشت که همین شرایط مضحک‌کن پشت تلفن می‌گفت، وقتمون نمی‌گرفت حداقل! شانس ما را باش، مردم فامیل کارخونه‌دار دارن، مام داریم! چهار ماه کارآموزی آزمایشی! دیگه چی بزرگوار؟ نیاز نیست سوله و اتاق مدیریت تی بکشیم؟ بفرما، رودریاستی نکن! یه جوری با فوق لیسانس مملکت حرف میزنه انگار بچه پشت کتکوری خورده به پُستش... والله به‌خدا!!

حالا نگو آقای فامیل که شماره‌اش رفته روی زنگ، ۱۰ دقیقه‌ای دارد به کنفرانس من گوش می‌دهد و پشت خط است. به کلیه اعتراضات خشن و از کوره دررفته من... دست که می‌برم به جیبم و موبایلی باز را که می‌بینم دنیا روی سرم خراب می‌شود. می‌فهمم شد آنچه نباید.

جز پشیمانی شدید و نفس نفس زدن کار دیگری بر نمی‌آید از دستم. اما آقای فامیل، ارجمندی‌ی به خرج می‌دهد و از آن‌طرف می‌گوید: عجالتاً پیشنهاد می‌کنم فردا ساعت ۱۱ صبح، جلسه مجدد داشته باشیم. همیشه می‌شود توی مفاد ردوبدل شده دست بُرد... به امید دیدار.

تلنگر

خونسرد باشید. وقت برای حرص خوردن و عصبانیت و جوش آوردن، زیاد است.

پی نوشت

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: کسی که زیانتش را مهار کند گویا به تمام دستورات قرآن عمل کرده است!

